



آثار و برکات عزاداری برای امام حسین(ع)؛ از آمرزش گناهان تا بقای اسلام

آیت الله مظاهری به مناسبت حلول ماه محرم گفت: استمرار عزاداری، تا روز قیامت، سبب و عامل بقای اسلام و احیای تشیع است، بنابراین اگر ثواب آن از حج و عمره بالاتر باشد، تعجب ندارد. به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت حلول ماه محرم الحرام، آیت الله مظاهری در این جلسه مطالبی راجع به اهمیت ماه محرم و جایگاه عزاداری در تعالیم دینی، بیان کرده است که در پی می آید.

آیت الله مظاهری به مناسبت حلول ماه محرم گفت: استمرار عزاداری، تا روز قیامت، سبب و عامل بقای اسلام و احیای تشیع است، بنابراین اگر ثواب آن از حج و عمره بالاتر باشد، تعجب ندارد. به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت حلول ماه محرم الحرام، آیت الله مظاهری در این جلسه مطالبی راجع به اهمیت ماه محرم و جایگاه عزاداری در تعالیم دینی، بیان کرده است که در پی می آید.

در روایات و سیره حضرات معصومین «ع» تأکید فراوانی بر عزاداری شده است. علت این امر نیز آن است که عزاداری، رمز بقاء تشیع است. برگزاری مجالس عزاداری و اهتمام به آن، فوائد، آثار و برکات فراوانی دارد و در ادامه، به برخی از آن آثار اشاره می شود.

اول: آمرزش گناهان

اولین نتیجه عزاداری، آمرزش گناهان است. طبق روایات، اگر کسی وارد جلسه عزای امام حسین «ع» شود و عزاداری کند، گناهان او آمرزیده می شود. [1] چنانکه از پیامبر «ص» و ائمه طاهرين «ع» روایاتی در اهمیت عزاداری و اینکه گریه بر مصائب اهل بیت «ع» بهشت را واجب می گرداند، وارد شده است. بحمدالله همیشه جلسات عزاداری رونق داشته و سزاوار نیست کسی خود را از فیض آن و نتایج مفید آن محروم سازد.

دوم: ثواب فراوان

در روایات معصومین «ع» برای عزاداری و زیارت امام حسین «ع»، ثواب حج و عمره بیان شده است. [2] حتی در روایات آمده است که افضل از همه اعمال است. [3] همچنین در روایات فرموده اند ثواب عزاداری و زیارت ابی عبدالله الحسین «ع» مانند آن است که خدای سبحان را در عرش زیارت کند. [4] البته خداوند متعال مجسم نیست که روی عرش و کرسی بنشیند. پس معنای عرش خدا، استیلای خداوند بر عالم وجود است و این روایت از باب کنایه و تأکید بیان شده است. بر این اساس، ثواب زیارت امام حسین «ع»، از دور یا نزدیک، مانند آن است که اگر پروردگار متعال عرشی داشت و شما می توانستید خدا را زیارت کنید، از چنان ثوابی بهره مند می شدید.

تحلیل آمرزش گناهان و اعطای ثواب در عزاداری

همان طور که بیان شد، عزاداری و گریه برای امام حسین «ع» یکی از اسباب آمرزش گناهان است و ثواب ها و پاداش های شگفت آوری نیز برای آن وضع شده است. تحلیل این مطلب آن است که عزادار امام حسین «ع» باید با آن حضرت رابطه عاطفی برقرار کند؛ به این معنا که به اندازه عشق و محبتی که به ایشان و شعائر حسینی دارد، از گناهانش افسرده و ناراحت بوده، به پیروی از اهل بیت «ع» علاقه داشته باشد. پس، به تعبیر دیگر، معنای روایت چنین می شود که: اگر کسی برای عزاداری امام حسین «ع» وارد جلسه عزا شد و توبه کرد و از گناهان خود پشیمان شد، گناه او هرچه بزرگ و فراوان باشد، آمرزیده می شود.

بنابراین برقراری رابطه عاطفی و رابطه عملی با امام حسین «ع»، نوعی توبه به شمار می رود و طبق تصریح قرآن کریم، گناه هرچه بزرگ و فراوان باشد، با توبه، آمرزیده می شود:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» [5]

توبه حقیقی، عبارت از سرافکندگی در محضر حق تعالی و خجالت زدگی از اهل بیت «ع» است که ناظر بر اعمال انسان هستند. چنین توبه های ثوابی بیشتر از حج و عمره و حتی بیش از زیارت ابی عبدالله الحسین «ع» دارد و در تعالیم دینی بسیار حائز اهمیت است. لذا اینکه در روایات می خوانیم گریه برای مظلومیت امام حسین «ع» موجب آمرزش گناهان است، به این معناست که اگر کسی عزاداری کند، به شرط آنکه به اندازه عشق به امام حسین «ع»، رابطه عاطفی و عملی با آن حضرت پیدا

کند، بالاترین ثواب‌ها را می‌برد و پروردگار عالم به خاطر این عزاداری، گناهان او را می‌آمرزد.

جلسات عزاداری به خصوص مجالس دهه اول محرم، فرصت مناسبی برای برقراری رابطه عملی و عاطفی با امام حسین «ع» است؛ لذا انسان در دهه اول محرم می‌تواند علاوه بر عشقی که به امام حسین «ع» دارد، یک رابطه مفید و ثمربخش هم با آن امام بزرگوار برقرار کند.

نقش تأثیرگذار عمل نیکو در تثبیت ایمان

شخصی به نام ابو دعامه نقل می‌کند در زمان بیماری امام هادی «ع» که منتهی به شهادت ایشان شد، برای عیادت خدمت آن حضرت رفتم. وقتی می‌خواستم از نزد ایشان مرخص شوم، حضرت فرمودند: تو با عیادت خود بر من حقی پیدا کردی، دوست داری در ازای آن یک روایت برای نقل کنم؟ راوی می‌گوید: اظهار خرسندی کردم. سپس آن حضرت فرمودند: پدرم از پدرش از پدرانش، از جدّم رسول خدا «ص» نقل فرمود: «الإيمانُ ما وقرّ في القلوبِ وَ صدّقته الأعمالُ» [6] یعنی تشیع و ایمان، آن است که از نظر دل، شیعه باشید و عمل شما کاشف از آن عقیده باشد.

بحمدالله در زمان حاضر، مردم، از نظر عقیده، وضعیتی مطلوبی دارند، اما آنچه نیازمند توجه بیشتر است، عمل بر طبق عقیده است که به آن رابطه عاطفی می‌گوییم.

لزوم سرمشق گرفتن از درس‌های اخلاقی عاشورا

در مجالس عزاداری باید توجه شود که امام حسین «ع» در روز عاشورا، در آن بحبوحه جنگ، نماز خواندند، پس شیعه ایشان هم باید به نماز اهمیت بدهد. در عزاداری‌ها می‌فهمیم که امام حسین «ع» به خاطر دین، همه هستی خود، حتی بچه شیرخوار را در راه خدا فدا کردند، پس ما نیز باید درباره دین، از هیچ کوششی دریغ نکنیم و در رابطه با دیگران، ایثار و گذشت و فداکاری داشته باشیم. امام حسین «ع» برای احیای تشیع، تلاش کردند، ما نیز باید با عمل و رفتار خود، تشیع را سربلند کنیم. وقتی اینگونه رفتار کردیم، مسلماً ثواب این عزاداری بالاترین ثواب‌هاست. از وقتی کسی وارد مجلس عزاداری امام حسین «ع» می‌شود، به خاطر توبه و رابطه عاطفی با آن حضرت، گناهان او می‌ریزد و بالاترین ثواب‌ها را که از حج و عمره نیز بالاتر است، می‌برد.

بنابراین، حتی در یک شبانه روز یا یک جلسه عزاء، انسان می‌تواند جداً خود را اصلاح کند و با برقراری رابطه عاطفی با امام حسین «ع»، در قیامت همراه با آن حضرت زیر لوای حمد رفته، از آب کوثر بنوشد تا سایر مردم از حساب و کتاب فارغ شوند، سپس با امام حسین «ع» به بهشت برود.

سوّم: دستیابی به حسن عاقبت

فایده سوم عزاداری، عاقبت به خیری است. به عبارت دیگر، دست عنایت امام حسین «ع» روی سر عزاداران قرار می‌گیرد و به این واسطه، از عاقبت سوء و سرنوشت بد، مصون و در امان خواهند ماند. حسن عاقبت سه معنا دارد: اوّل اینکه ذلت بعد از عزت پیدا نمی‌کند. دوّم اینکه تا آخر عمر، حالت انحراف برای او پدید نمی‌آید و سوّم اینکه هنگام مرگ، اهل بیت «ع» را می‌بیند، آن بزرگواران به فریاد او می‌رسند و او نزد ایشان سربلند است. جلسات عزاداری، هر سه معنای حسن عاقبت را برای عزاداران پدیدار می‌سازد. به تجربه هم اثبات شده افرادی که با مسجد، روحانیت و جلسات عزاداری رابطه دارند، عاقبت به خیر می‌شوند.

حسن عاقبت، از دنیا و آنچه در دنیا است، ارزش‌مندتر است. اینکه انسان بعد از عمری عزّت، ذلیل شود، یا پس از عمری دین‌داری، با یک شبهه، دچار انحراف گردد و به تشیع شک کند، یا هنگام مرگ، معصومین «ع» به بالین او نیایند، خسارت بزرگی است و عزاداری، رافع این خسارات است.

چهارم: ابقای اسلام و احیای تشیع

فایده چهارم عزاداری، که از فواید قبلی بالاتر و ارزشمندتر است، این است که عزاداری، عامل بقای اسلام و احیای تشیع است. امام حسین «ع» برای احیای اسلام و تشیع به کربلا آمدند. در آن زمان، اسلام در خطر و تشیع در حال نابودی بود و شیعیان نمی‌توانستند ابراز عقیده کنند، اما شهادت امام حسین «ع» ورق را برگرداند؛ اسلام باقی ماند و تشیع زنده شد. در واقع، زحمات رسالت پیامبر اکرم «ص» در تبلیغ اسلام و معرفی تشیع که پس از جریان نامبارک سقیفه بنی ساعده، در حال از بین رفتن بود، زنده شد. در آن دوران، حتی امیرالمؤمنین «ع» چه قبل از خلافت و چه بعد از آن، به شدّت در تنگنا بودند. پس از ایشان نیز

امام مجتبی «ع» تنها بودند و بدین سبب محبور به صلح با معاویه شدند. امام حسین «ع» تا زمان مرگ معاویه، به صلح برادر خویش پایبند بودند. اما پس از آن و با روی کار آمدن یزید که عهدشکنی آشکاری بود، اقدام به قیام کردند، زیرا می‌دانستند با وجود یزید، باید فاتحه اسلام را خواند، لذا فرمودند: اگر کسی مثل یزید حاکم باشد، اسلام نابود می‌شود: «عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ بِرَأْعِ مِثْلِ يَزِيدٍ» [7]

لذا قیام کردند و طبق گواهی تاریخ، پس از شهادت ایشان، طولی نکشید که ریشه بنی‌امیه خشکید و اسلام عزیز باقی ماند. از این جهت، تردیدی وجود ندارد که بقای اسلام و احیای تشیع مرهون شهادت امام حسین «ع» است. اما آن شهادت و آثار عظیم آن سزاوار نبود که در کربلا تمام شود. آن امام بزرگوار نیز توجه داشتند که موج کربلا باید در جهان اسلام سراسری شود؛ لذا خاندان و فرزندان را نیز به همراه خود بردند. در آستانه مسافرت، محمد بن حنفیه گفت: اگر شما برای شهادت می‌روید، چرا زنان و کودکان را می‌برید؟ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَّيَا» [8]

یعنی اینها ادامه دهنده رسالتی هستند که با شهادت آغاز می‌شود. بر این اساس، پس از عاشورا، و شهادت امام، نوبت به حضرت زینب «س» و اهل بیت امام حسین «ع» رسید که با اسارت خود، موج شهادت امام «ع» و وقایع کربلا را سراسری کنند.

اسارت این خانواده، موجی در عالم اسلام ایجاد کرد. پس از اسارت نیز با عزاداری، به خصوص توسط سایر ائمه معصومین «ع» موج شهادت، عالم‌گیر شد. در واقع، حرکت حسینی، ابتدا با اسارت خاندان رسول خدا «ص» و سپس با عزاداری شیعیان، جاودان و سراسری شد و همیشه باقی خواهد ماند. از این رو می‌توان گفت: شهادت، اسارت و عزاداری در یک راستا هستند.

به عبارت دیگر، استمرار عزاداری، تا روز قیامت، سبب و عامل بقای اسلام و احیای تشیع است. بنابراین اگر ثواب آن از حج و عمره بالاتر باشد، تعجب ندارد.

تأکید مکرر تعالیم دینی بر عزاداری نیز به خاطر نقش مؤثر آن بر بقای تشیع است. در روایات می‌خوانیم کسانی که به عزاداری اهمیت می‌دهند، مانند اصحاب اباعبدالله در روز عاشورا هستند. امام حسین «ع» به اصحاب خود فرمودند: مثل شما نیامده و نخواهد آمد. حال اگر کسی در این مجالس شرکت کند، مثل اصحاب امام حسین «ع» می‌شود. مثلاً عزاداران می‌توانند با شرکت در عزاداری، حالت توبه و انابه پیدا کنند و مثل حرّ، فایده اول، یعنی آمرزش گناهان را ببرند.

پنجم: استجابت دعا

از دیگر فوائد عزاداری، استجابت دعا است. بحث دعا و استجابت آن در جلسات عزاداری مفصل است و ان‌شاءالله در آینده به آن خواهیم پرداخت و در این جلسه، صرفاً به بیان یک نمونه از موارد متعدّد استجابت دعا در مجالس عزاداری بسنده می‌کنیم: مرحوم آیت الله دستغیب «ره» نقل می‌کنند: در شیراز حصه آمده بود و بسیاری از افراد مبتلا شده بودند. در آن زمان، حصه دارویی نداشت و همه دم مرگ رفته بودند. آقای دستغیب از قول یکی از افرادی که خانواده او دچار حصه شده بودند، نقل می‌کنند که گفته بود: روزی همسایه ما جلسه روضه داشت. من به آن جلسه رفتم و برای امام حسین «ع» گریه کردم و از حضرت زهرا «س» شفای زن و بچهم را خواستم. وقتی به خانه آمدم، دیدم که زن و بچهم نشسته و غذا می‌خورند و سالم هستند. تعجب کردم. دخترم گفت: پدر جان، حضرت زهرا «س» در این اتاق آمدند و سیاه‌پوش بودند. وقتی نشستند، به امام حسین «ع» گفتند: روی سر اینها دست بکش تا خوب شوند. امام حسین «ع» روی سر ما دست کشیدند و همه خوب شدیم، اما روی سر مادر دست نکشیدند. حضرت زهرا «س» فرمودند: چرا روی سر مادرشان دست نکشیدی؟ امام حسین «ع» فرمودند: مادر جان! او نماز نمی‌خواند. فرمودند: شوهرش شفای آنها را از من خواسته است، پس روی سر او هم دست بکش. پس آن حضرت روی سر مادرم دست کشیدند و او هم خوب شد.

این وقایع به تجربه اثبات شده و حاکی از عنایت خاص معصومین «ع» به عزاداران است.

دعا برای فرج و دعا به نظام جمهوری اسلامی

به تناسب بحث دعا، لازم است یادآوری و تقاضا کنم که در وضع فعلی، به جمهوری اسلامی دعا کنید. همین‌طور که در ایام پیش رو و در جلسات عزاداری برای حوائج خودتان دعا می‌کنید، برای این نظام مقدس هم دعا کنید. نظام جمهوری اسلامی، همان‌طور که قبلاً نیز بارها متذکر شده‌ام، مبتلا به سه فساد اقتصادی، اخلاقی و اداری است و رفع این مفاصد هم بسیار مشکل است. از این رو بهبود این وضعیّت و بهبود وضعیّت زندگی مردم نیاز به دعا دارد.

همچنین در عزاداری‌ها، دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر «عج» و تعجیل در ظهور آن حضرت فراموش نشود تا انشاء الله مورد

نظر لطف آن حضرت قرار گیرید.

سابقه عزاداری توسط اهل بیت (ع)

ائمۀ طاهرین «ع» علاوه بر اصرار و پافشاری بر برگزاری عزاداری، خود نیز به ذکر مصیبت می پرداختند. مثلاً امام صادق «ع» روضه می خواندند، اما معمولاً غیر مستقیم بود؛ در فرصت ها گریه می کردند و عطش یا سایر مصائب کربلا را یادآوری می فرمودند. [9] امام سجّاد «ع» وقتی آب و غذا می دیدند، گریه می کردند و می فرمودند: ابا عبدالله را گرسنه و تشنه کشتند. [10] ائمۀ طاهرین «ع» در جلسات عزاداری نیز به شدت گریه می کردند و مدّاح هرچه سعی می کرد روضه را تمام کند، آنها با اصرار می فرمودند باز هم ادامه بده. [11]

پیامبر «ص» نیز خود برای امام حسین «ع» گریه می کردند و روضه می خواندند. آن حضرت وقتی امام حسین «ع» را می دیدند، او را روی دامن خود می نشاندند، گلوئی او را می بوسیدند و برخی از اوقات، روضه آن حضرت را می خواندند که چگونه کشته می شود. [12] امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و ائمۀ اطهار «ع» چنین روشی داشته اند.

واکنش تاریخی بدخواهان تشیع نسبت به عزاداری

در طول تاریخ، بدخواهان تشیع و به خصوص بنی امیّه و بنی عباس، تشکیل مجالس عزاداری را ممنوع کرده، مانع زیارت کربلا می شدند؛ زیرا آنان به خوبی دریافته بودند که عزاداری، مایه بقا و حیات تشیع است. حتی در روایات می خوانیم که امام صادق «ع» هرگاه مدّاحی می دیدند، جلسه عزا به پا می کردند؛ بین زنان و مردان پرده می کشیدند و مدّاح روضه خوانی می کرد و زنان و مردان گریه می کردند. روزی هم جاسوسان خلیفه با شنیدن صدای گریه و زاری درب منزل آن حضرت آمدند و یکی از افراد خانه برای آنکه مأموران به داخل خانه نریزند و اذیت نکنند، با ترفندی آنها را رد کرد.

در زمان پهلوی هم در راستای اجرای دستورات انگلیس، عزاداری ممنوع شد. در آن دوران، مبارزه با روحانیت، مساجد و حسینیه ها و مخصوصاً عزاداری ها در دستور کار پهلوی و ایادی او قرار داشت. در واقع، هدف بیگانگان براندازی تشیع بود و رسیدن به این هدف، مستلزم تعطیلی رمز بقای آن، یعنی عزاداری بود. امّا در همان دوران نیز با وجود خفقان شدید، علما و بزرگان، آشکارا یا مخفیانه مجالس عزاداری برگزار کردند و مانع تعطیلی این فیض عظیم شدند. پهلوی هم طولی نکشید که با عاقبت عبرت آموزی نابود شد؛ او را به جزیره ای منتقل کردند و یک بیماری واگیردار گرفت. نقل می کنند در روزهای آخر عمرش، از دور تکه نانی در مقابل او می انداختند تا بخورد و به او نزدیک نمی شدند.

لزوم برگزاری عزاداری به شیوه سنتی و پرهیز از افراط و تفریط

مطلبی که نیاز به توجه جدی، به خصوص از سوی روحانیت و جوانان دارد، این است که باید در عزاداری سوژه و بهانه به دست معاندان تشیع ندهند. عزاداری باید به روش سنتی که ائمۀ طاهرین «ع» داشتند و در زمان ما مراجع و علما و بزرگان دارند، برگزار شود. برگزارکنندگان جلسات باید از افراط و تفریط بپرهیزند و برای رسانه های بیگانه سوژه تهیه نکنند.

اصل عزاداری با سخنرانی، ذکر مصیبت، گریه کردن، سینه زدن و آنچه عرف مردم به آن عزاداری می گویند، حتماً باید باشد، امّا افراط و تندی که همیشه بد بوده و در زمان ما بدتر است، باید نباشد.

در زمانی که دشمن به دنبال موقعیت و سوژه برای کوبیدن و تمسخر تشیع می گردد، نباید بهانه دست او داد. گاهی دیده می شود در سایت ها و خبرگزاری ها، به خاطر رفتار برخی از جوانان در عزاداری ها، به شیعه توهین می کنند، لذا باید همگان مواظب باشند در عین اهتمام به عزاداری که رمز بقای تشیع است، از انجام کارهایی که موجب وهن تشیع است، بپرهیزند.

در طول تاریخ، زحمات فراوانی کشیده شده تا تشیع به دست ما برسد و ما باید مواظب باشیم با رفتار خود، به تشیع ضربه نزنیم.

ضرورت تحکیم بنیه اعتقادی

آنچه در این مبحث توجه جدی می طلبد، این است که اگرچه اعتقادات تشیع ریشه دار و مستحکم است، امّا متأسفانه جامعه و به خصوص جوانان، آن طور که شایسته است، در جهت تحکیم مبانی اعتقادی تلاش نمی کنند. حاصل کوتاهی در تقویت بنیه اعتقادی، تأثیر شبهات رنگارنگ بر ذهن و فکر جوانان است. به خصوص در زمان ما که زمان شبهه شده است و متأسفانه

بدخواهان تشیع، بسیار پرکارند و هر روز برای تشیع، برای ولایت و برای عزاداری به شبهه‌پراکنی می‌پردازند. امروز معاندان تشیع با جنگ نرم به مصاف تشیع آمده‌اند و به طرز مرموز و زیرکانه‌ای در دانشگاه‌ها و در بین جوانان شبهه‌افکنی می‌کنند. کار به جایی رسیده که در شب عید غدیر، یک مقاله بی‌ادب در یک روزنامه بی‌ادب منتشر شد که در آن، نصب امیرالمؤمنین «ع» از جانب پیامبر اکرم «ص» به خلافت، انکار شد. نظیر این شبهات زیاد مطرح می‌شود، به خصوص این‌گونه حرکت‌های انحرافی در آستانه محرم بیشتر می‌شود تا جوانان نسبت به شرکت در جلسات عزاداری، سرد و بی‌انگیزه شوند. لذا همه باید مواظب باشند و همه باید برای تحکیم و تقویت اعتقادات خود و اطرافیان بکوشند.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. ر.ک: تفسیر القمی، ج 2، ص 292؛ بحار الانوار، ج 45، ص 257
2. کامل الزیارات، ص 156
3. کامل الزیارات، ص 146
4. کامل الزیارات، ص 147
5. زمر / 53
6. بحار الأنوار، ج 50، ص 208
7. اللهوف، ص 24
8. اللهوف، ص 65
9. مصباح‌المتجهّد، ج 2، ص 782
10. مثير الاحزان، ص 115
11. ر.ک: کامل الزیارات، ص 104 و 105
12. ر.ک: الإرشاد، ج 2، ص 131؛ الطبقات الكبرى، ج 10، ص 423 تا 431